

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجاه و نهم 95/11/19

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

در رابطه با حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تقریباً ۸ شبهه وجود دارد، البته شبهه دیگری هم دیروز مطرح شد که با احتساب آن ۹ شبهه مطرح شده است.

دوستان عزیز باید مقداری روی این شبهات کار کنند و همچنین کسانی که در ایام فاطمیه به تبلیغ می‌روند، باید روی این مسائل عنایت بیشتری داشته باشند. در حال حاضر در شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای مرتباً این شبهات مطرح می‌شود.

شبهه اول افسانه خواستگاری از دختر «ابوجهل» است که می‌گویند روایت «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» به خاطر اقدام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است.

شبهه دوم انکار و توجیه هجوم به بیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است که دیروز به آن اشاره کردیم.

شبهه سوم این است که شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) افسانه است و چنین واقعیتی وجود نداشته است.

شبهه چهارم این است که چرا با وجود حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیها)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در رفتند و این برخلاف غیرت عرب و مردانگی است.

ما سال گذشته این شبهات را مطرح کردیم و گفتیم: رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در منزل نشسته بودند و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) رفتند و در را باز کردند.

در روایت دیگری وارد شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در منزل نشسته بودند که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زدند، در این حین عایشه پشت در رفت و در را باز کرد. همچنین در روایتی وارد شده است که «أم سلمه» در را باز کرد.

جواب‌های نقضی فراوانی در مورد این شبهه وجود دارد، به علاوه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در حیاط بودند. زمانی که در زدند، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و «زبیر» داخل اتاق بودند و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در حیاط بود لذا پشت در رفت.

بر فرض هم اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داخل خانه بودند و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در رفتند، شاید به خاطر این باشد که این هجوم آورندگان از روی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خجالت بکشند و برگردند. رفتن حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در آنجا باعث ایجاد درگیری می‌شد و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم حاضر به درگیری با این افراد نبودند.

پرسش:

با توجه به کوچک بودن خانه‌ها و به صورت حجره بودن، پس حیاط خانه کجا بوده است!؟

پاسخ:

خانه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ۲۴۰ متر بوده است. بحث حجره‌ها جداست. حجره‌ها به قول آقایان وهابی یک متر در دو متر بوده است، زمانی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌خواستند نماز بخوانند جا برای

نماز خواندن نبود. مطالبی از این قبیل از قول عایشه نقل شده است. که مثلاً پیغمبر وقتی می خواست در نماز به سجده برود من پاهایم را دراز می کردم و پیغمبر می خواست به سجده برود پای من را ویشگون می گرفت تا من پاهایم را جمع کنم و او به سجده برود!!

البته اینها را ما نقل نکرده ایم. خود اهل سنت نقل کرده اند.

شبهه پنجم این است که می گویند: خانه های مدینه در ورودی نداشت، اصلاً منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نداشت. ما این شبهه را با استفاده از آیات قرآن کریم پاسخ دادیم. قرآن کریم می فرماید: افرادی که می توانند بدون اجازه از اموال و خوراک منزل استفاده کنند، کسانی هستند که کلید منزل شما در دست آنها قرار دارد.

شبهه ششم این است که می گویند: چرا علی بن ابی طالب از همسر خود دفاع نکرد؟! ما این شبهه را به طور مفصل پاسخ دادیم.

شبهه هفتم این است که می گویند: کلمه شهادت بدعت است. در سال ۱۳۷۱ عده ای از کارشناسان و محققان جمهوری اسلامی مستقر در مجلس شورای اسلامی بعد از ۱۴۰۰ سال تحقیق و بررسی ناگهان به راز مهمی پی بردند.

راز مهم این بود که دختر رسول گرامی پیامبر اسلام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فوت ننموده است، بلکه شهید شده است. سپس نمایندگان - که خدا از آنها نگذرد - اعلام کردند از این پس در تقویمها به جای «وفات»، «شهادت» بنویسند!!

جا دارد نکته ای را در اینجا خدمت بزرگواران عرض کنم. در تقویم سال ۱۳۶۸ وارد شده است که شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بنا بر ۷۵ روز، در تقویم سال ۱۳۶۵ کلمه شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد شده است.

همچنین در تقویم سال ۱۳۶۶ هم شهادت حضرت فاطمه زهرا وارد شده است. در تقویم سال ۱۳۶۷ و در تقویم سال ۱۳۷۲ نیز واژه «شهادت حضرت فاطمه زهرا» وارد شده است.

حداقل ما چند سال قبل از این قضایا را درآوردیم که آن‌ها شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در تقویم‌ها ذکر کرده‌اند.

بنده به خاطر دارم قبل از انقلاب در تقویم‌های بزرگی که کسوف و خسوف را در آن ذکر می‌کردند، کاملاً واژه شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در آن ذکر می‌کردند.

همچنین شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در تقویم‌های کوچک جیبی هم ذکر شده بود. این مسئله ارتباطی به این قضایا ندارد؛ علاوه بر این روایات صریح و صحیحی از امام صادق (علیه السلام) داریم که می‌فرمایند:

« إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ »

روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی،

حسین و اشتیاردی علی پناه، ج ۵، ص ۳۴۲

روایت دیگری در این زمینه از امام کاظم (علیه السلام) وارد شده است. حضرت فرمودند:

« إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ »

شرح فروع الکافی، نویسنده: مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، محقق / مصحح: محمودی، محمدجواد

و درایتی، محمد حسین، ج ۲، ص ۸۳، باب الحائض تقضى الصوم و لا تقضى الصلاة

امام کاظم (علیه السلام) در سال ۱۴۸ هجری به امامت رسیده است و در سال ۱۸۳ هجری به شهادت رسیده است.
یعنی آن حضرت در قرن دوم هجری می‌فرمایند:

«إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

شبهه هشتم شبهه‌ای است که امروزه وهابیت مانور زیادی روی آن می‌دهند. اگر بتوانیم امروز چند دقیقه روی این شبهه توضیح بدهیم، قضیه روشن خواهد شد.

شبهه مطرح شده ماجرای خواستگاری امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از دختر «ابوجهل» است که «ابن تیمیه» می‌گوید: "این حدیث «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» مربوط به خواستگاری امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از دختر ابوجهل بوده است!!"

در اینجا چند مسئله وجود دارد؛ اولاً در کتاب «صحیح بخاری» روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۳۶۱، ح

۳۵۱۰

اصلاً به هیچ وجه من الوجوه قضیه خواستگاری در اینجا مطرح نشده است. همچنین در روایت دیگری در این کتاب وارد شده است که می‌گوید:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٧٤، ح

٣٥٥٦

همچنین در کتاب «صحيح مسلم» هم روايتى به همين شكل وارد شده است و مسئله مطرح شده است. در روايت ديگرى وارد شده است:

«قال رسول الله لفاطمة إن الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك»

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابورى، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٦٧،

ح ٤٧٣٠

سند اين روايت از اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) است و دهها نفر غير از «حاكم نيشابورى» اين روايت را صحيح کردند.

آنچه در اینجا مهم است، چند مسئله است. راوى که قضيه خواستگارى را نقل مى کند «مسور بن مخرمه» است.

«وكان مولده بعد الهجرة بسنتين»

الإصابة فى تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ١٤١٢ - ١٩٩٢، الطبعة: الأولى، تحقيق: على محمد البجاوى، ج ٦، ص ١١٩، ح ٧٩٩٩

این شخص در سال دوم هجرت به دنیا آمده است. «توفیق أبو علم» از اساتید دانشگاه الأزهر می‌گوید: ماجرای خواستگاری در سال دوم هجری و قبل از ولادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده است.

بنابراین در آن زمان «مسور» یا اصلاً به دنیا نیامده بود و یا اگر هم به دنیا آمده بود، کودک خردسالی بوده است. ما نمی‌دانیم که این شخص چطور پریده و به مسجد رفته و مشاهده کرده که پیغمبر اکرم بالای منبر خطبه می‌خواند و ماجرای خواستگاری را بیان می‌کند.

این مسائل قبل از اینکه توهین به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشد، توهین به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

پرسش:

آیا تمام آن روایات یک طریق دارد؟

پاسخ:

بله تماماً یک طریق دارد؛ ما غیر از «مسور» در هیچ منبعی این روایت را ندیدیم.

بنابراین این مسئله در حقیقت توهین به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است. زمانی که «أم فضل» به «مأمون» می‌گوید که امام جواد (علیه السلام) می‌خواهد زن بگیرد، نگذار این کار را انجام دهد.

«مأمون» در جواب او می‌گوید: من تو را به امام جواد (علیه السلام) دادم تا یک رابطه سببی با هم داشته باشیم؛ تو را ندادم که بیاییم حلال خدا را حرام کنیم. نستجیر بالله رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به اندازه مأمون هم توجه نداشتند!؟

به علاوه همین شخصی که این قضیه را نقل کرده است، می‌گوید: در اواخر عمر پیغمبر اکرم مردم مسجدی در مدینه می‌ساختند. مردم می‌آمدند و من هم بچه بودم. سنگی را حمل می‌کردم تا برای ساختن مسجد ببرم.

می‌گوید: من لنگی به خود بسته بودم، ناگهان لنگ من کنار رفت. و آنچه نباید هویدا می‌شد، هویدا شد!! در این حال رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«ازجِعْ إِلَى تَوْبِكَ فَخُذْهُ وَلَا تَمْشُوا عُرَاةً»

برگرد و لباست را بپوش، اینطور عریان جلوی مردم نباش.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۳۴۱

این شخص اینقدر شعور ندارد که بفهمد نباید جلوی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و صحابه اینطور عریان راه برود. این شخص با این اوصاف برای ما نقل حدیث می‌کند!!

بنابراین این مسئله اولاً خلاف قرآن کریم است. و ثانیاً اصلاً امکان خواستگاری وجود نداشت، زیرا دختر «ابوجهل» در سال هشتم هجرت مسلمان شده است. او در سال دوم هجرت کافر بوده است و طبق فرموده قرآن کریم ازدواج با کافر هم حرام است.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به جای اینکه بگوید: "یا علی! دختر من را طلاق بده بعد دختر «ابوجهل» را بگیر"، باید می‌گفت: یا علی! ازدواج با مشرکین حرام است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَا تَنْكُحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا)

با زنان مشرک ازدواج مکنید تا ایمان آورند.

سوره بقره (۲): آیه ۲۲۱

لذا احتیاجی به اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بالای منبر بروند و عصبانی شوند وجود نداشت.

بعد از اینکه دختر «ابوجهل» مسلمان شد، با «عتاب بن اَسَید» که از طرف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از فتح مکه، حاکم مکه شد ازدواج کرد.

اما در مورد اینکه این مسئله در روایات شیعه هم آمده است یا نه، دقت کنید در کتاب «علل الشرایع» وارد شده است:

«جَاءَ شَقِيٍّ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ عَلِيًّا قَدْ خَطَبَ بِنْتِ أَبِي جَهْلٍ»

سپس حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزد رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) آمدند و ماجرا را با پدر بزرگوارشان در میان گذاشتند. سپس پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سؤال کردند:

«يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِثِّي وَ أَنَا مِثُّهَا فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَاهَا

بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَ»

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَا دَعَاكَ إِلَى مَا صَنَعْتَ»

چه چیزی باعث شد که چنین فرمایشی بفرمایید؟

«فَقَالَ عَلِيٌّ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا كَانَ مِنِّي مِمَّا بَلَغَهَا شَيْءٌ وَلَا حَدَّثْتُ بِهَا نَفْسِي»

امیرالمؤمنین فرمودند: اصلاً چنین قضیه‌ای حتی از ذهن من هم نگذشته است.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۲

مشاهده کنید که مسئله کاملاً مشخص است. البته سند روایت ضعیف است، راوی اول «علی بن احمد بن محمد» است که مجهول است. فرمایش آقای خوئی (رضوان الله تعالی علیه) این است که این شخص مجهول است. راوی بعدی «احمد بن محمد بن یحیی» است که باز هم مجهول است. آقای «خوئی» در مورد او می‌گوید:

«فالمتمحصل مما ذكرناه: أن الرجل مجهول، كما صرح به جمع: منهم صاحب المدارك»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السید الخوئی، ج ۳، ص ۱۲۲، ح ۹۳۲

به علاوه روایت مرفوع است. زیرا در اینجا وارد شده است:

«رواه عن الصادق بواسطتين مع انه يروى عنه بخمس وسائط»

علی بن احمد در تمام سندهای ما از امام صادق با پنج واسطه نقل می‌کند.

ولی در اینجا با دو واسطه نقل کرده است، بنابراین مشخص است که سه واسطه در اینجا کاملاً افتاده است!

با چشم پوشی از ضعف سند؛ خود «شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» روایتی آورده است که کاملاً با این روایت در تناقض است. راوی می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) گفتم:

«يا ابن رسولِ اللهِ إنَّ النَّاسَ يَسُبُّونَنَا إِلَى عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ قَدْ ضَاقَتْ بِذَلِكَ صُدُورُنَا»

سپس ایشان می‌گویند: قضیه چی بوده است؟! او در جواب می‌گوید: مردم نسبت به بعضی از انبیاء تهمت می‌زنند. از جمله نستجیر بالله در مورد حضرت یوسف می‌گویند: مرتکب زنا شده است. همچنین در مورد دیگر انبیاء از جمله حضرت ایوب هم مطالبی بیان می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) در ادامه می‌فرماید:

«فَقَالَ يَا عَلْقَمَةَ إِنَّ رِضَا النَّاسِ لَا يَمْلِكُ وَ أَلْسِنَتُهُمْ لَا تُضْبَطُ»

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: نسبت به اینکه به شیعیان افترا می‌بندند ناراحت نشوید، زیرا نمی‌توان دهان مردم را بست.

امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمودند: مردم نسبت به حضرت یوسف نسبت زنا دادند، در مورد حضرت داوود بیان کردند که اوریا را به جنگ فرستاد تا با همسر او ازدواج کند، به حضرت موسی نسبت ناروا دادند، به حضرت مریم نسبت زنا دادند.

در ادامه می‌فرماید:

«أَلَمْ يَسُبُّوا نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا [مُحَمَّدًا] ص إِلَىٰ أَنَّهُ شَاعِرٌ مَّجْنُونٌ»

مردم در مورد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) گفتند: او شاعری دیوانه است.

سپس در ادامه می‌فرمایند:

«أَلَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَىٰ أَنَّهُ أَرَادَ أَنْ يَنْزُوِيَ ابْنَةُ أَبِي جَهْلٍ عَلَىٰ فَاطِمَةَ عَ وَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ شَكَاهُ عَلَى الْمُنْبِرِ إِلَى الْمُسْلِمِينَ
فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَ يَرِيدُ أَنْ يَنْزُوِيَ ابْنَةَ عَدُوِّ اللَّهِ عَلَى ابْنَةِ نَبِيِّ اللَّهِ أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ
مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي»

الأمالی (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۰۳، ح ۳

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: این روایت از افتراهای مردم است. برفرض سند این روایت صحیح هم باشد، این روایت زیر و بم تمام قضایا را برملا می کند.

اینها می خواهند شأن نزول روایت را با این وصف تخریب کنند. اضافه بر این اگر آن روایت ملاک باشد که آقایان وهابی آن را قبول دارند، در آن روایت به قدری از ابوبکر و عمر مذمت شده است که ما همیشه به دوستان می گوئیم که اصلاً اینطور روایات را مطرح نکنید.

این روایات علاوه بر اینکه ضعف سندی دارد، باعث اختلاف میان شیعه و سنی و ایجاد فتنه میان مسلمانان می شود. لذا این افراد وقتی می خواهند خدمت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برسند آن حضرت اجازه نمی دهند. آن ها در ادامه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را واسطه قرار می دهند و حضرت زهرا (سلام الله علیها) به این افراد می فرماید که شما من را مورد آزار و اذیت قرار دادید.

«وَ اللَّهُ لَا أَكَلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّي فَأَشْكُوكُمَا بِمَا صَنَعْتُمَا بِي وَ ارْتَكَبْتُمَا مِنِّي»

در ادامه وارد شده است:

«فَدَعَا أَبُو بَكْرٍ بِالْوَيْلِ وَ التُّبُورِ وَ قَالَ لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي»

ابوبکر گفت: ای وای بیچاره شدم، دختر پیغمبر اکرم از من ناراحت است. کاش مادرم من را نزائیده بود.

«فَقَالَ عَمْرٌ عَجَبًا لِلنَّاسِ كَيْفَ وَلَوْكَ أُمُورَهُمْ وَ أَنْتَ شَيْخٌ قَدْ خَرَفْتَ»

عمر گفت: مردم تو را خلیفه کردند درحالی که پیرمرد خرفتی هستی.

«تَجَزَعُ لِعُضْبِ امْرَأَةٍ وَ تَفْرَحُ بِرِضَاهَا وَ مَا لِمَنْ أُغْضِبَ امْرَأَةً»

تو به خاطر غضب و رضایت یک زن غضبناک و راضی می شوی.

علل الشرائع (للسدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۲

اگر آقایان این روایت را قبول دارند، باید ذیل روایت را هم قبول داشته باشند. نمی شود آقایان صدر روایت را قبول کنند، اما ذیل آن را قبول نداشته باشند.

در همین کتاب «علل الشرائع» وارد شده است که حضرت وصیت می کنند و می فرمایند:

«وَ لَا يَخْضُرَنَّ مِنْ أَغْدَاءِ اللَّهِ وَ أَغْدَاءِ رَسُولِهِ لِلصَّلَاةِ عَلَى أَحَدٍ»

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۲

این روایت هم در کتاب «علل الشرائع» است. اگر قرار باشد ما بپذیریم، باید این موارد را هم بپذیریم.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می فرماید:

«وَ اللَّهُ لَقَدْ أَوْصَيْتَنِي أَنْ لَا تَخْضُرَا جَنَازَتَهَا وَ لَا الصَّلَاةَ عَلَيْهَا»

حضرت زهرا وصیت کرده است که این دو نفر در تشییع جنازه ایشان حاضر نشوند.

باز به دنباله همین روایت وارد شده است که عمر به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرض کرد: تو زهرا را شبانه دفن کردی، ما باید برویم بر او نماز بخوانیم. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«وَاللَّهِ لَوْ ذَهَبَتْ تَرُومٌ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً وَ عَلِمْتُ أَنَّكَ لَا تَصِلُ إِلَيَّ ذَلِكَ حَتَّى يَنْدُرَ عَنْكَ الَّذِي فِيهِ عَيْتَاكَ»

اگر به قصد نبش قبر به قبرستان بروید، آنچه که چشمانت در آن است آنچنان می‌زنم از بدنت جدا می‌کنم که خودت هم متوجه نشوی.

علل الشرائع (للسدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۲

این روایت هم به دنباله همان قضیه است. چطور امکان دارد که آقایان بخشی از روایت را بپذیرند و بخشی از روایت را قبول نکنند و زیر بار نروند.

لذا ما بارها گفتیم که بهترین جواب شبهه آن جوابی است که از جواب شبهه، شبهه تولید کند. ما باید تلاش کنیم با جواب دادن به شبهه، بر ضد کسی که شبهه القا می‌کند شبهه تولید کنیم.

پرسش:

سوره مبارکه احزاب از آیه ۲۸ تا ۳۴ مربوط به همسران پیغمبر اکرم است. در این میان آیه تطهیر وارد شده است که کمی کار را مشکل کرده است. مقداری در این خصوص توضیح بفرمایید!!

پاسخ:

در رابطه به این آیه حرف زیاد است؛ اما آنچه برای ما مهم است، این است که آقایان می‌گویند: بحث شأن نزول در آیه حرف اول را می‌زند. شما اگر به شأن نزول مراجعه کنید، در کتاب «صحیح مسلم» روایتی وارد شده است.

این روایت که راوی آن عایشه است، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) اهلبیت خودشان از جمله حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را زیر عبا قرار دادند و فرمودند:

«إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٨٨٣، ح ٢٤٢٤

همچنین در کتاب «اربعین» اثر آقای «ابن عساکر» وارد شده است که «أم سلمه» می گوید: این آیه در خانه من نازل شد. من گفتم:

«يارسول الله ألسنت من أهل البيت»

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«قال إنك إلى خير إنك من أزواج رسول الله»

سپس ایشان می گوید:

«والآية نزلت خاصة في هؤلاء المذكورين والله أعلم»

لأربعين في مناقب أمهات المؤمنين رحمة الله عليهن أجمعين، اسم المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن محمد

بن هبة الله بن عساکر، دار النشر: دار الفكر - دمشق - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد مطيع الحافظ،

غزوة بدير، ج ١، ص ١٠٥، باب الحديث السادس والثلاثون

ما حدود ۲۵ نفر از بزرگان اهل سنت داریم که معتقدند این آیه تنها در حق حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نازل شده است.

همچنین در کتاب «روح المعانی» تفسیر «ألوسی» به صراحت وارد شده است که:

«أن النساء المطهرات غیر داخلات فی أهل البيت الذين هم أحد الثقلين»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید

محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۲، ص ۱۶، باب الأحزاب : (۳۳

) وقرن فی بیوتکن

این افراد به صراحت بیان می‌کنند که اصلاً این آیه ارتباطی به همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ندارد.

خود آیات ۲۸ تا ۳۳ سوره احزاب با لحن مذمت بیان شده است:

(يا نساء النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ)

ای زنان پیامبر! شما مثل احدی از سایر زنان نیستید.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۲

و یا :

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)

و در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خود نمایی نکنید.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۳

اما در وسط، یک مرتبه لحن عوض می‌شود و به صورت مدح بیان می‌شود. امکان ندارد که خداوند متعال مقام همسران پیغمبر اکرم را پایین بیاورد، اما یک مرتبه آنان را بالا ببرد.

یکی از علمای اهل سنت در همایشی که در زاهدان برگزار شد و ما هم در آنجا حضور داشتیم، گفت: "عایشه تمام تلاش خود را به کار برد تا هرچه فضیلت برای خود و خانواده‌اش بوده است را مطرح کند. ولی او در یک روایت ضعیف و جعلی هم مطرح نکرده است که ما جزو آیه تطهیر هستیم."

البته روایات دیگری در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال در روایتی وارد شده است که عایشه می‌گوید: من خواستم نزدیک عبایی که خمسه طیبیه زیر آن قرار داشتند داخل شوم، اما رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

«تنحي»

عقب برو، عقب برو.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر -

بیروت - ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۴۸۶

اما روایتی در مورد اینکه همسران پیغمبر اکرم جزو آیه تطهیر هستند، وارد نشده است.

پرسش:

آیا مراد از تطهیر، تطهیر به معنای عصمت است؟!

پاسخ:

بحث عصمت، بحث دیگری است. تطهیر به هر معنایی که باشد به عنوان یک فضیلت است. تمام آن‌ها تلاش می‌کنند که همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را داخل این فضیلت قرار بدهند. اصلاً ما آن را عصمت خطاب نمی‌کنیم و تنها فضیلت قلمداد می‌کنیم؛ آیه‌ای در حق آن‌ها نازل شده است. اهل سنت تلاش می‌کنند که همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را تحت پوشش این آیه بیاورند. هیچ دلیلی بر دخول آن‌ها وجود ندارد، بلکه روایات کاملاً مخالف است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته